

مقدمه :

مدت یک قرن است که غرب تحقیقات دامنه دار و عمیقی پیرامون روان شناسی کودک به انجام رسانده است که به واقع، نتایج چشمگیری از آن پژوهش ها به دست آمده است؛ هرچند به بسیاری از پژوهش های آنان نمی توان به دیده اطمینان کامل نگریست. تا این زمان همچنان پیروان ژان پیاژه (زیست شناس، فیلسوف و روان شناس سوئیسی، متوفای ۱۹۸۰ م.)، اسکینر، باندورا، کلارک هال، اریکسون و هاینزوانر، با یکدیگر نسبت به عقاید استادان خود اختلاف عقیده دارند. جمعی کودک را بزرگسالی کوچک (به تعبیر آنان: مینیاتور بزرگسال) و بعضی او را کاملاً متمایز با بزرگسال تعریف می کنند. عده ای او را متمایل به بدی، و برخی او را پاک سرشت می دانند. (۱)

درباره تربیت، تغذیه، رشد، عادت ها و رفتارهای کودک نیز نظریات متفاوت و متناقض بسیاری میان پژوهشگران وجود دارد که به واقع آدمی گاه در انتخاب نظریه درست میان آنان سرگردان می شود. انبوه نتایج علمی که امروزیان بدان دست یافته اند در سایه آزمایش های سالیان متمادی، استفاده از فن آوری و استمداد از تجربیات گذشتگان است؛ با این حال پیوسته طرح ها و نظریات جدیدی به دست می آید که گاه به طور کامل، ناقص نظریات گذشته است. اما در صدها سال پیش که هیچ یک از این زمینه ها و امکانات پژوهشی وجود نداشته است، از سوی حضرت محمد امین (ص) نسبت به کودکان، گفتارها و رفتارهایی مشاهده شده است که امروزیان در ژرفای آن درمانده شده اند و فهم عمیقی از آن به دست نیاورده اند. معجزه حضرت محمد امین (ص) تنها

آیات قرآن نبود. گفتار و رفتارش، همه معجزه بود. چه آن که معجزه پدیده ای است که بشر از ارائه نمونه آن ناتوان باشد.

در عقاید امروزیان متمدن و متفکر[؟] چنین آمده است که: اگر کودکان، وحشی و پرخاشگرند باید آنان را رام و مطیع گردانید. زیرا آنان ماهیت حیوانی دارند و غرایز نقش اساسی در انگیزش رفتارشان دارد. (۲)

این در حالی است که ما بارها این جمله را از سخنان رسول اکرم (ص) شنیده یا خوانده ایم که: پنج چیز است که تا آستان مرگ آن ها را ترک نمی کنم؛ یکی از آنها سلام کردن به کودکان است. (۳)

به راستی، ژرفای مفهوم این جمله را کدام متفکر روان شناس درک می کند؟ در افکار خردسالان چه می گذرد که حضرت امام صادق (ع) در پی نقل آنچه از رسول خدا (ص) فرا گرفته، می فرماید: احبوا الصبيان و ارحمهم و اذا وعدتموهم فقولهم فانهم لا يرون الا انکم ترزقونهم؛ به کودکان محبت بورزید و مورد شفقت شان قرار دهید و هرگاه به آنان وعده ای دادید، وفا کنید. زیرا آن ها شما را روزی دهنده خود می دانند. (۴) در این رفتار رسول خدا (ص) چه حکمتی نهفته بوده است که همه روزه که صبحگاه از خواب بر می خاست، دست محبت به سر فرزندان خود می کشید! (۵)

در این نوشتار به طور گزیده به تشریح پاره ای از گفتارها و رفتارهای حضرت محمد (ص) درباره کودکان می پردازیم.

نامطمئن بودن نظریات رایج کنونی و سرمشق بودن رفتار پیامبر(ص) برای ما- به تصریح آیه قرآن
- (۶) ما را بر آن می دارد که به فرموده ها و کردار حضرت رسول اکرم(ص) عمیق تر بنگریم و به
واقع اعتقاد داشته باشیم که آنچه او به جای آورده - به فرض درستی روایت - فراتر از اکتشافات

علمی امروزیان است. کوچک ترین عمل او در پی ارائه معیاری است که برای معاصران وی
ناشناخته ماند و برخی تا این زمان نیز ناشناخته باقی مانده است. از آن نمونه، در جمله ای ساده از
آن بزرگوار می خوانیم :

((اگر موا اولادکم و احسنوا آدابکم؛ (۷) فرزندانان را گرامی بدارید و با آداب و روش پسندیده با
آنان رفتار کنید.))

در نظر سطحی، این فرموده تنها سفارش به احترام کودکان و رفتار صحیح با آنان است. اما این که
چه رفتاری در شان کودک نیست تا از آن پرهیز شود، و چه روشی نادرست است تا نسبت به وی
انجام نگیرد جای گفتگو است. آیا والدین و مربیان برای یافتن پاسخ صحیح این دو پرسش، خود
نباید پیش تر پیرامون تربیت کودک آگاهی هایی به دست آورند؟ پدر و مادری که با آداب و

روش صحیح زندگی ناآشناوند چگونه می توانند فرزندشان را با آداب درست تربیت کنند؟! آیا
بوسیدن کودکان - دختر یا پسر - تا چه سنی روا است؟ آیا بلند شدن در برابر بچه های کم سن بجا
است یا نابجا؟ آیا تنبیه و کتک آنان تا چه میزان سفارش می شود؟ تفاوت گذاری میان آنان تا چه
اندازه صحیح یا ناصحیح است؟ بازی کودک و ((بازی با کودک)) چه لزوم و فایده ای دارد؟

بنابراین، سفارش به گرامیداشت کودک، تأکید بر تأسیس بنیادی است که به خانواده ها آموزش دهد چگونه با فرزندانشان رفتار کنند. خانواده و مجالس خانوادگی، آموزش و پرورش، صدا و سیما و مراکز فرهنگی، هر یک بنیادی است که باید بدین مهم توجه کند .

از طرف دیگر باید مشخص شود که بی احترامی به کودک و ترک آموزش وی چه پیامدهایی دارد! اگر اطرافیانش با آداب و روش درست با او برخورد نکنند چه پیش خواهد آمد؟ کودک در هر حال بزرگ خواهد شد. اگر او در بزرگسالی دریابد که بسیاری از رفتارهای بزرگسالان با وی در کودکی، ناصحیح بوده است، نسبت به آنان چگونه خواهد اندیشید؟ آیا والدین چنین کودکی اکنون در بزرگسالی این کودک می توانند امیدوار باشند که وی آرای امروز آنان را بپذیرد و

بدان عمل کند؟ چگونه بسیاری از والدین بدین امر توجه ندارند که یکی از علت های تمرد نوجوانان و جوانان، پی بردن آنان به اشتباه روش پدر و مادر در کودکی ایشان است !

به هر تحلیل، توجه رسول خدا(ص) به دنیای کودکان را در چندین جنبه می توان جستجو کرد :

1. کوشش برای تولد فرزندان سالم

برخلاف عقیده بسیاری از نظریه پردازان که تربیت کودک را از شش ماهگی یا دو سالگی به بعد نتیجه بخش می دانند، تعالیم رسول خدا(ص) زمانی پیشتر از این را در تربیت کودک موثر یاد می کند. نوزاد بیشتر صفات خوب و بد را از طریق ژن از پدر و مادر به ارث می برد. بنابراین، تربیت او نه از دوران حمل که پیش از ازدواج آغاز می شود. دختر و پسری که پیش از ازدواج به اصول

اخلاقی و دینی پایبند نباشند بسیار دشوار می توان امید داشت که فرزند آنان درستکار تربیت شود.

البته سهم محیط تربیتی و عوامل و استثنائات روزگار را نادیده نمی انگاریم .

اگر تربیت کودک از شش ماهگی یا دو سالگی آغاز می شود، این دستور رسول اکرم(ص) چه

مفهومی می یابد که می فرماید: هر کس صاحب فرزندی شد در گوش راست کودکش اذان و در

گوش چپ او اقامه بگوید تا از شر شیطان در امان باشد. امیرمومنان علی(ع) می فرماید: زمانی که

دو پسر حسن و حسین [علیهماالسلام] تولد یافتند، آن حضرت همین عمل را انجام داد و دستور

فرمود تا در گوش آن ها سوره حمد و آیه الکرسی و آیه های سوره حشر و سوره اخلاص و ناس

و فلق را بخوانند. (۸)

اگر کودک دو ماهه استعداد تربیت و پذیرش ندارد و مشاهدات و شنیده های او در درونش تأثیر

نمی نهد به چه سبب رسول خدا(ص) می فرماید: هرگز مبادا که کودکی در گهواره نظاره گر

رفتار زناشویی زن و مرد باشد. (۹) اگر در چنین موقعیت صدای زن و مرد را بشنود به راه

رستگاری [و پاکی و خیر] قدم نمی نهد. (۱۰)

به راستی، آیا سلامتی مادر در دوران حمل، تغذیه، ترس و نگرانی ها و نیز اعتیاد وی بر سلامتی

روحی نوزاد اثر نمی گذارد؟! آنگاه چگونه می توان نوزاد ناسالم را درست تربیت کرد؟! !

امام باقر(ع) می فرماید: در عصر رسول خدا(ص) مردی از انصار [در مدینه] به آن حضرت

شکایت کرد که: همسرم دختر عموی من است و خانواده و اجداد ما همه سفید پوست هستیم و

اینک او فرزندی به دنیا آورده که سیاه پوست و شبیه سیاهان حبشی است .

رسول خدا(ص) اندکی تأمل کرد و سپس از زن توضیح خواست. زن به پاکی خود سوگند یاد کرد. پیامبر فرمود: بین هر انسان تا حضرت آدم(ع) ۹۹ عرق پیوند زن، ریشه وجود دارد که در ساختمان فرزند فعالیت می کنند... فرزند شبیه یکی از آن ها می شود... این نوزاد سیاه پوست شبیه یکی از اجداد دور شماست. کودک را بگیر که فرزند خود تو است.(۱۱)

هنگامی که نوزاد رنگ پوست خود را به وسیله زن از اجدادش به ارث ببرد، آیا صفات خوب یا بد به همین وسیله از آنان به وی سرایت نمی کند؟!

آن حضرت در همین باره فرموده است: انظر فی ای شیء تضع ولدك فان العرق دساس؛(۱۲)

خوب بنگر که نطفه خود را در چه جایگاهی جای می دهی. زیرا ریشه ها [و زن آدمی] به طور پنهان تأثیر گذار است [و از طریق آن، اخلاق اجداد به فرزندان منتقل می شود .]

نیز در جای دیگر فرمود: الشقی شقی فی بطن امه و السعید سعید فی بطن امه؛ (۱۳) بدبخت در شکم مادر بدبخت می شود و سعادت مند در شکم مادر چنین می شود .

در روایتی دیگر آن حضرت به نقش برادر (دایی فرزندان) در تربیت فرزند اشاره می کند و می فرماید: اختاروا النطفکم فان الخال احد الضجیعین؛(۱۴) همسر [شایسته] برای نطفه های خود انتخاب کنید. زیرا دایی یکی از دو ستون [مهم تشکیل دهنده] نوزادتان است .

و نیز فرموده است: از ازدواج با زنان زیبارویی که در خانواده بد پرورش یافته اند، بپرهیزید.((۱۵))

2. توجه به سلامت جسمی و روحی مادر

فرزندان ما - به ویژه دختران - بیشتر اوقات خود را در کنار مادر سپری می کنند و از تعلیمات او چیزها می آموزند. بر این اساس، آنان که دغدغه تربیت فرزند دارند نخست باید به تربیت همسر بپردازند. دختران و زنان نیز تاثیرپذیرتر از پسران و مردان اند. بنابراین در آستانه زندگی، مرد باید

مهم ترین همت خود را آموزش و تربیت همسرش قرار دهد. زمانی که مادر خانواده درست آموزش ببیند و تربیت شود، تربیت فرزندان او با سهولت انجام می پذیرد. چنان که اگر مادر نكوهیده خوی باشد، تربیت فرزند خیلی دشوار است. زیرا او اولین آموزگار کودک شماس است .

رسول خدا(ص) در این باره فرموده است: ((ایاکم و تزویج الحمقیا، فان صحبتها بلا و ولدها ضیاع؛ (۱۶) از ازدواج با زنان کودن پرهیزید که همنشینی آن ها [نوعی] بلا و فرزندشان تباه است))

پس از انتخاب همسر شایسته و توجه به آموزش و تربیت او، مهم ترین وظیفه، ایجاد محیط روانی سالم در خانه است. این نخستین ابزار هر طرح تربیتی موفق است. هر که دلسوز فرزند خود است پیش از هر کار باید بکوشد تا حد امکان فضای خانه آکنده از آرامش و مهرورزی شود. تا زمانی

که کودک شما خود را در چنین فضایی نبیند زمینه ای برای شکوفایی استعدادهای خود نمی یابد و بیشتر توان او صرف مبارزه با ترس و اضطراب ها و مقابله با عوامل رنجآور زندگی می گردد.

هر چه محیط آنان صمیمی تر و درس آموزتر و روان ایشان مطمئن تر و بی هراس تر باشد، آموزش و تربیت آن ها هموارتر و آموختن هایشان از محیط بیشتر و پایدارتر است .

حضرت محمد(ص) در این باره فرموده است: ((حق الولد علی والده... ان یسفره امه... (۱۷)

حق فرزند بر پدر این است که [پدر] مادر را احترام کند ((

زمانی که فرزند، مادر را در نگاه پدر محترم ببیند، احساس امنیت و آرامش می کنند .

مادری که در خانه از احترام پدر محروم باشد، نخواهد توانست نقش مادری خود را به درستی

ایفا نماید .

3. پیشگیری بهتر از درمان

اصل نامبرده در روان شناسی تربیتی جایگاهی ویژه دارد و کوشش می شود تا پیش از پدید آمدن

ناهنجاری‌های رفتاری، عوامل پدید آورنده آن شناسایی و پیشگیری شود .

از طرفی امروزه والدین از بسیاری از رفتارهای فرزندان خود ناخشنودند و امید دارند که کسی از

راه برسد و فرزندشان را به حقوق والدین آشنا کند، حال آن که گاه کوتاهی خود والدین سبب

بروز چنین مشکلی است. زیرا در تربیت و پرورش آنان سهل انگاری نموده اند. رسول خدا(ص)

در همین باره فرموده است: ((رحم الله من اعان ولده علی بره؛(۱۸) خدای رحمت کند کسی که

فرزند خود را به نیک رفتاری کمک کند ((

از آن حضرت پرسیدند، چگونه؟ فرمود :

1. آنچه کودک در توان داشته و انجام داده، از او بپذیرند .

2. آنچه انجام آن در توانش نیست، از او نخواهند .

3. او را به گناه و طغیان وادار ن سازند .

4. به او دروغ نگویند. رفتار نابخردانه [نسبت به وی و در مقابل او] انجام ندهند .

به واقع هر یک از ما دوست داریم فرزندانمان نسبت به ما چگونه رفتار کنند؟ با خود بیندیشیم که اگر ما خویشتن را برای نیل بدین منظور کمک نکنیم، دیگران چگونه و تا چه میزان خواهند توانست ما را در این هدف مدد رسانند! پس همان بهتر که فهرست همه انتظاراتمان را نسبت به فرزندانمان یاد داشت کنیم و آن گاه بیندیشیم که برای موفقیت فرزند در این برنامه، خود ما چه وظایفی بر عهده داریم .

چندی پیش، دوستی از فرزندانش سخت گله مند بود که آن ها بیشتر اوقات روزانه یشان را به تماشای تلویزیون می گذرانند. به وی گفتم: کمی به جای گله از آن ها خود را نکوهش کن. چون غیبت طولانی شما و همسرت از محیط خانه، سبب دلنگی آن ها را فراهم می آورد. آن ها برای رفع این دلنگی به تماشای تلویزیون پناه می آورند و زمانی که بدین روش عادت کردند، دیگر در وقت حضور شما نیز نمی توانند از عادات خود دور شوند .

4. درمان روحی با اعطای شخصیت

احساس ضعف شخصیت، نه فقط بزرگسالان را رنج می دهد و به ناهنجاری رفتاری وا می دارد، کودکان را نیز دچار مشکل می کند. بعضی می پندارند چون کودک پیکری کوچک تر از بزرگسالان دارد، شخصیت خود را هم کوچک می پندارد؛ حال آنکه چنین نیست و چه بسا بی

توجهی به شخصیت کودکان زیانبارتر از بی توجهی به شخصیت بزرگسالان باشد. زیرا احساس ضعف شخصیت در کودکی سبب بروز رفتارهای ناصواب و ویرانگر در بزرگسالی است. به همین سبب است که امام هادی (ع) فرموده است: از شر آن که خود را حقیر و بی مقدار بیندارد، در امان مباش. (۱۹)

از رفتارهای متداول حضرت رسول اکرم (ص) در مقابل فرزندش فاطمه (س) و نیز نوه های عزیزش امام حسن و امام حسین (علیهما السلام)، احترام و صف نشدنی و برخاستن در مقابل آنان است. شیعه و سنی نقل نموده اند که آن جناب پیوسته با حضور دختر خردسالش، تمام قامت در برابرش می ایستاد و احترامش می کرد. (۲۰)

گاه به احترام و نیز مراعات خردسالی نوادگانش، سجده نماز را طولانی می ساخت یا برای بر آوردن حاجت آنان، نماز را با سرعت به پایان می برد. هر روز صبح بر سر فرزندان و نوادگانش دست نوازش می کشید و مهربانی و عطوفت نسبت به کودکان، خوی همیشگی آن حضرت بود. (۲۱)

با این همه، در بزرگداشت شخصیت کودکان باید همواره توجه داشت که این امر برای ارضای حس شخصیت طلبی آنان است. بدین سبب باید در انجام آن به شیوه ای گام برداشت که زمینه غرور و نازپروری کودکان فراهم نشود و این امر زمانی است که ما همه شیوه های تربیتی را همگام عمل کنیم؛ چنان که رسول خدا (ص) عمل می کرد.

توجه به بهداشت روانی کودکان

در مباحث روان شناسی عمومی، در بخش ((یادگیری، حافظه و فراموشی)) به عوامل تاثیر گذار بر رشد بدن و حافظه پرداخته می شود و یادآوری می کنند که یکی از مهم ترین عوامل اختلال در حواس و حافظه کودکان و مانع جدی از رشد استعداد های آنان، و بلکه عامل عقب ماندگی ذهنی، محرومیت از بهداشت روانی است. کودک به هر علت آرامش روان خود را از دست دهد، بخشی از فعالیت های مغز وی که تنظیم کننده رشد ذهنی اوست مختل و آینده وی دچار مخاطره می شود. مشکلات خانوادگی، فقر، بد رفتاری والدین با یکدیگر و با فرزندان، خشونت، تاکید بی اندازه بر رعایت نظم و مقررات و ترس های موهوم، همه عواملی است که روان کودک را نابسامان می نماید .

اگر رسول خدا(ص) هر صبحگاه که از خواب بر می خیزد و دست نوازش بر سر فرزندان و نواذگانش می کشد، این رفتار از هر هدیه برای کودک مناسب تر است و ما به درستی نمی توانیم تاثیر عمیق این رفتار ساده را لمس کنیم. کودکی که در آغاز صبح از چنین نوازشی بهره مند شود احساس آرامش، امنیت، پذیرفتگی، امید و شادی می کند. اطمینان می یابد که وجودش در خانه زاید نیست. جایگاهش نزد والدین شناخته شده و محفوظ و مورد توجه است .

روان شناسان معتقدند بهره مندی از محبت والدین در ماه های آغاز طفولیت و آغاز هر روز، از مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر تامین بهداشت روانی کودک است. کودکی که از مهر و محبت مادر و پدر برخوردار است، نگرش مطلوبی نسبت به خود می یابد و روابط سالم تر و پذیرفته تری

با دیگران برقرار می کند. (۲۲) و ترس های موهوم و بی پایه را که مانع شکوفایی استعداد های او است، از وی دور می سازد .

6. مهرورزی، مهم ترین ابزار تربیت

زمانی که آهن، نرم و گداخته شود به هر صورت که بخواهیم شکل می پذیرد. ((مهرورزی)) به افراد- به ویژه کودکان - همان حرارتی است که افراد را نرم، تسلیم و گوش به فرمان می سازد . تربیت نوعی کوشش برای نفوذ در ناخود آگاه افراد است . رنج و اندوه ها، آرزوها، شکست ها و گفته های ناگفته پیوسته در ضمیر ناخود آگاه جای می گیرند. پیرامون این ضمیر، مأمورانی آماده به خدمت وجود دارند که مانع از نفوذ دیگران بدان می شوند. از طرفی تا فردی به درون آن راه نیابد نمی تواند به اسرار آن پی ببرد و راه حلی برای مشکل آن ارائه کند .

پدر و مادری که ابزار نفوذ به ناخود آگاه فرزندان خود را نشناخته و شیوه ورود به آن را ندانند هیچ گاه نخواهند توانست ارتباط صمیمی با ایشان برقرار سازند؛ دردهایشان را بشناسند و درمان کند .

((مهرورزی به کودک)) از مهم ترین ابزار نفوذ به ضمیر ناخود آگاه اوست. زمانی که فردی به کودک محبت و مهربانی می کند، قلب او را در اختیار می گیرد و آرام آرام می تواند از رنج هایش آگاه شود و راه درمانش را شناسایی و دنبال نماید .

امیر مومنان علی (ع) می فرماید: از همان کودکی، پیامبر خدا (ص) مرا از پدرم برگرفت و من شریک آب و نان او شدم و پیوسته مونس و همسخن وی بودم.... او مرا در کنار خود می نشاند و

بر سینه خویش جای می داد و در بسترش [کنار خود] می خوابانید، به طوری که تنم را به تن خویش می چسباند و بوی خوش خود را به مشامم می رساند. (۲۳)

من پیوسته در پی او روان بودم، مانند بچه در پی مادر. هر روز برای من از اخلاق خود نمونه ای

آشکار می ساخت و مرا به پیروی از آن وامی داشت. در سال [چند روزی را] در غار حرا خلوت

می گزید. من او را می دیدم و جز من کسی او را نمی دید... او مرا از کودکی در دامن خود

پروراند و... هزینه زندگی مرا بر عهده گرفت. در هر صبح و شام یک نشست خصوصی با او

داشتم که در آن احدی جز من و او شرکت نمی کرد. در این اوقات، من با او بودم و هر جا که او

می رفت و از هر دری که سخن می گفت، من با او همراه و هماهنگ بودم. (۲۴)

نیز در همین باره می نویسند: زمانی که رسول خدا(ص) (کودکان انصار را می دید بر سر آنان

دست می کشید و به آنان سلام می کرد و دعایشان می فرمود. (۲۵) روزی پیامبر(ص) از راهی می

گذشت که کودکان بازی می کردند. چون نگاهش به یکی از آن ها افتاد نزد او نشست و پیشانی

او را بوسید و به وی محبت نمود... و فرمود: روزی دیدم این کودک با فرزندم حسین بازی می

کند و خاک های زیر پای حسین را برمی دارد و به صورت خود می مالد. چون او از دوستان

حسین است من هم او را دوست دارم. (۲۶)

گاه می شد کودکی را نزد آن حضرت می آوردند و او در دامن حضرت، خود را خیس می کرد.

اطرافیان با پرخاش به کودک می کوشیدند از کار او جلوگیری کنند و وی را از دامن رسول

خدا(ص) جدا سازند، که آن حضرت آنان را از این کار باز می داشت و می فرمود: با تندی از

ادرار کردن کودک جلوگیری نکند. سپس کودک را به حال خود رها می کرد تا حاجتش

برآورده شود. آنگاه خود می رفت و لباسش را تطهیر می کرد. (۲۷)

روزی آن حضرت با گروهی از مردم نماز جماعت می خواند. در هنگام سجده، حسین (ع) که

کودکی خردسال بود، بر پشت رسول خدا (ص) می نشست و پاهایش را حرکت می داد. وقتی

پیامبر (ص) سر از سجده بر می داشت او را می گرفت و کنار خود روی زمین می گذاشت و در

سجده دیگر این رفتار حسین (ع) و آن حضرت تکرار می شد. فردی یهودی که شاهد این صحنه

بود پس از نماز به رسول خدا (ص) گفت: با کودکان خود طوری رفتار می کنید که ما هرگز رفتار

نکرده ایم. حضرت فرمود: اگر شما به خدا و فرستاده او ایمان داشتید با کودکان خود مهربان

بودید.

آن مرد پس از مشاهده آن رفتار و شنیدن این سخن، مسلمان شد. (۲۸)

7. مفهوم دیگر بوسیدن

بزرگتری که کودکی را می بوسد بدین وسیله به او اظهار علاقه می کند و به کودک احساس

آرامش، امید و شادمانی دست می دهد. با بوسه دیگران درمی یابد که هستند کسانی که به وی

علاقه مندند و خواهان اظهار محبت به اویند.

این عمل نوعی اظهار علاقه غیر زبانی است. در جایی که زبان به هر علت از اظهار علاقه باز می

ایستد، لب این نقش را ایفا می کند. شاید یکی از علت هایی که کودکان بیش از بزرگسالان از

بوسه لذت می برند، به همین سبب است که آنان را - به ویژه در سنین طفولیت - نمی توان چندان با اظهار علاقه های زبانی خشنود ساخت و علایق خود را به ایشان ثابت کرد و بدین وسیله بدان ها آرامش و امید بخشید .

آنان با بوسه والدین به علاقه ایشان به خود پی می برند و چون خود را مورد علاقه کسی می بینند آرام می گیرند، پرخاش نمی کنند، فریاد نمی زنند و با دروغ و شیطنت نمی کوشند سبب جلب توجه والدین را فراهم آورند. آنها از این بوسه ها اطمینان می یابند که محبوب پدر و مادرند و آنان از وجود ایشان ناخرسند نیستند. این اظهار علاقه وقتی در حضور دیگران باشد تأثیر گذارتر است .

افزون بر این همه، بوسه برای کودکان معنای حیات دارد ، در سنین طفولیت بیش از حس بویایی، بینایی و شنوایی، حس چشایی و لامسه او فعالیت می کند و مفهوم بودن خود را با این دو حس درک می کند. بوسه ها برای کودک مفهومی بسیار لطیف تر و عمیق تر از آن دارد که ما می پنداریم. هر بوسه برای او مفهوم و اثری ویژه و تازه دارد و تکرار آن برایش تکراری نیست. به همین میزان که بزرگسالان از بوسه بیش از اندازه دلتنگ می شوند، خردسالان - به ویژه نوزادان - از آن خشنود می گردند .

حال شاید تعجب انگیز باشد اگر بشنویم که رسول خدا(ص) در این باره فرموده است: کسی که فرزند خود را ببوسد خداوند برای او یک حسنه [در قبال هر بوسه] می نویسد. (۲۹) بر پایه همین رهنمود است که امام صادق(ع) می فرماید: فرزندان خود را بسیار ببوسید، زیرا به خاطر هر بار

بوسیدن، خداوند درجه ای به شما عنایت خواهد کرد. (۳۰)

ابن عباس می گوید: من نزد پیامبر (ص) بودم. بر زانوی چپ خود، فرزندش ابراهیم قرار داشت و بر زانوی راست، حسین (ع). آن حضرت هر دم گاه ابراهیم را می بوسید، گاه حسین را. (۳۱) نیز در روایت می خوانیم: آن حضرت دخترش فاطمه (س) را خیلی زیاد می بوسید. (۳۲) شب ها پیش از خوابیدن، او را می بوسید و صورت خود را بر سینه دخترش می نهاد و برای او دعا می کرد. (۳۳) نیز می نویسند: روزی مردی نزد پیامبر خدا (ص) آمد و گفت: من ده فرزند دارم که تاکنون هیچ یک از ایشان را نبوسیده ام. بر طبق روایتی دیگر گفت: تاکنون هیچ کودکی را نبوسیده ام. همین که او از نزد رسول خدا (ص) دور شد، آن حضرت فرمود: این مرد از نظر من از دوزخیان است. (۳۴)

8. راهی برای ورود به دنیای کودکان برخی می پرسند: برای پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان مان چه شیوه ای پیش گیریم؟

راستی چگونه می توان به دنیای کودکان نفوذ کرد؟

برای نیل بدین هدف، به ابزاری نیاز داریم که برخی بدین قرار است:

الف. همانند کودکان شوید.

آیا تا به حال از خود پرسیده اید که چرا برخی بزرگسالان به آسانی می توانند با بچه ها صمیمی

شوند و بعضی در این کار ناموفق اند؟

زیرا یکی نمی تواند یا نمی خواهد هنگام همراهی با بچه ها، از بزرگسالی خود اندکی فاصله گیرد و کودک شود. و برخی به آسانی می توانند با حفظ شأن بزرگسالی، همچون یکی از کودکان، رفتار کودکانه کنند و با آن ها صمیمی شوند.

کودکان خیلی زیرک تر از آن هستند که ما می پنداریم. آن ها تا کسی از جنس خودشان نشود او را به جمع خود راه نمی دهند. با وی صمیمی نمی شوند و رازهایشان را با او در میان نمی نهند.

شاید در بیان همین راز است که رسول خدا (ص) (فرموده است: من کان عنده صبی فلیتصاب

له؛ (۳۵) هر کس کودکی نزد اوست باید با وی کودکانه رفتار کند. شاید تعجب آور باشد اگر

بشنوید که این روایت پایه تحقیقات چندین ساله مارگارت دونالدسون (پژوهشگر و روان شناس

کودک) است. به اعتقاد وی: همه آنچه به پندار ما فراتر از قوه درک کودک است] اگر به واقع

درک آن برای وی محال نباشد] در صورتی که به شیوه و زبان خود کودک بیان شود، به طوری

که برایش معنادار باشد، وی از عهده درک آن برخوردار می آید. (۳۶)

بارها رخ می داد که رسول اکرم (ص) کودکان را بر مرکب خود سوار می کرد و لحظاتی با ایشان

هم سخن می شد. جابر بن عبدالله می گوید: روزی نزد رسول خدا (ص) رفتم، دیدم آن بزرگوار به

زانو خم شده است و دو نوه اش حسن و حسین (علیهما السلام) را بر دوش گرفته، در اتاق بر روی

دست و پا راه می رود و می فرماید: وسیله سواری شما خوب مرکبی است و البته شما هم خوب

سوارانی هستید. (۳۷)

مرحوم فیض کاشانی می نویسد: هر زمان رسول خدا(ص) از سفری باز می گشت و در راه به کودکان برمی خورد لحظه ای درنگ می کرد و به کسی از اطرافیان می فرمود تا یکایک بچه ها را بلند کند و بر مرکب او بگذارد. بعضی را پشت سر خود و بعضی را جلو می نهاد. هنگامی که بچه ها پس از عبور پیامبر(ص) با هم خلوت می کردند این خاطره را برای یکدیگر نقل می نمودند و برایشان جالب بود که آن حضرت برای سوار کردن کودکان به اصحابش دستور داده است. (۳۸)

راز همبازی شدن با بچه ها

بچه های خردسال مفهوم زندگی کردن و زنده بودن را به ((بازی)) می شناسند. وقتی کسی آن ها را از بازی کردن محروم کند گویا از زندگی کردن بازشان داشته است و شاید شدیدترین محرومیت برای آنان همین باشد؛ چنان که امروزه بازی کردن اطفال را یکی از علایم سلامتی جسمی و روحی او برمی شمردند .

حضرت رسول خدا(ص) فرموده است: ((دع ابنک یلعب سبع سنین؛ (۳۹) بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند.)) این سفارش حکایت از آن دارد که آن رسول برگزیده، بازی را نوعی ابزار سرگرمی و اتلاف عمر نمی داند. هفت سال نخست زندگی، دوره شناخت جهان پیرامون خود است. کودکان در این دوره گویا نه با یکدیگر، که با جهان و پدیده های اطراف خود بازی می کنند تا آن ها را بشناسند، بیازمایند و بدانند که باید با پدیده ها چگونه برخورد کرد. در همین

دوره است که در پی بازی، حس بینایی و لامسه آن ها بهتر به کار گرفته می شود، ذهنشان قدرت ابتکار و روحشان اعتماد به نفس می یابد .

بازی فرصتی برای متعادل کردن تمایلات عاطفی، آموزش جمعی و عامل تقویت روحیه جمعی است. آن ها با بازی می آموزند که چگونه با دیگران رابطه صحیح برقرار سازند، حقوق افراد را مراعات کنند و به فعالیت گروهی پردازند .

زمانی که این دوره با روش صحیح به بازی سپری شود و کودک توان نهفته در درون خود را در این دوره بروز داده و از بازی سیراب شده باشد، در بزرگسالی به انجام کارهای ویژه دوره

خردسالی نمی پردازد. رسول خدا(ص) در همین باره می فرماید: ((عرامه الصبی فی صغره زیاده فی عقله فی کبره)) (۴۰) جنب و جوش و ستیزه جویی کودک در دوران خردسالی، نمایانگر فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.))

زمانی که شما با کودک همبازی می شوید گویا به وی تفهیم می کنید که شما احساس کودکی اش را درک می کنید و کارهای کودکانه اش را بی مقدار و بیهوده نمی دانید. اگر شما با آن ها همبازی نشوید و پیوسته به آنان تلقین کنید و هشدار دهید که رفتارهایشان همه بی فایده و جاهلانه است، نه فقط منزلت و جایگاه خود را در ذهن آنان از دست می دهید، در ایشان این باور را تقویت می کنید که وی فردی بیهوده گرا و بازیگوش است که ارزش خود و عمرش را نمی داند. باور این تلقین نه تنها آنان را از بازی متنفر نمی سازد، ایشان را ناخواسته به بیهوده گرایی سوق می

دهد. و به عکس، هر چه بیشتر در بازی آنان شرکت کنید با شما احساس تفاهم و صمیمیت بیشتری می کند .

مرحوم علامه مجلسی در ضمن نقل روایتی می نویسد: پیامبر اکرم(ص) هر روز با نوه اش حسین(ع) بازی می کرد.(۴۱) روزی آن بزرگوار به مهمانی دعوت شده بود و عده ای در راه با ایشان همراه شدند. ناگهان حسن(ع) را در کوچه دید که بازی می کرد. پیامبر در حضور مردم دوید و کوشید تا وی را بگیرد. کودک به این طرف و آن طرف می دوید و می گریخت و رسول خدا(ص) را می خندانید. سرانجام حضرت وی را گرفت و پیوسته او را بوسه زد....(۴۲)

روزی حسین(ع) در دامن آن حضرت نشسته بود و رسول خدا(ص) آن قدر با وی بازی کرد و خندید که عایشه به اعتراض گفت: چقدر با او بازی می کنی !! حضرت فرمود: وای بر تو! چطور او را دوست نداشته باشم، در حالی که او میوه دل و نور چشم من است. (۴۳)

سلام به بچه ها

پنج چیز است که تا پایان زندگی آن ها را ترک نمی کنم ؛ یکی از آن ها سلام کردن به کودکان است.(۴۴)

این فرموده حضرت محمد(ص) است، در عصری که بزرگسالان برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نبودند و حقوق یکدیگر را مراعات نمی کردند. گویند: آن والا مقام بر کوچک و بزرگ سلام می کرد و در سلام کردن بر همگان - حتی به کودکان - پیشی می گرفت و به آنان دست می

داد و می فرمود: پیوسته در سلام کردن به بچه ها مراقبت دارم، تا پس از من به صورت یک سنت میان مسلمانان باقی بماند و بدان عمل کنند. (۴۵)

زمانی که در پی برخورد با بزرگسالان به آن ها سلام کنیم و در ملاقات با کودکان از سلام به آن ها دریغ ورزیم ناآگاهانه در روش تربیتی خود دچار تناقض رفتار شده ایم. ما از یک سو برای آرام کردن کودکان و دعوت آنان به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد، به آن ها می گوئیم که بزرگ شده اند و دیگر نباید رفتار نادرست انجام دهند؛ از طرفی از سلام کردن به آنان دریغ می ورزیم و گویا ایشان را تا این میزان بزرگ نمی شناسیم که سزاوار سلامشان بدانیم. آنان گرچه خردسال باشند این تناقض رفتار ما را درک می کنند و می پندارند که بزرگسالان پیوسته آنچه به صلاح خود بدانند عمل می کنند، نه آنچه به واقع صلاح است .

دیگر آن که آن ها خوب متوجه می شوند که سلام نشان دهنده وجود ارتباط، تفاهم و صمیمیت است. دو فرد که به یکدیگر سلام نمی کنند یعنی که میان ایشان پیوند عاطفی برقرار نیست. همین احساس در اولین برخورد، میان کودک و بزرگسالان فاصله و بیگانگی پدید می آورد .

افزون بر اینها ترک سلام به بچه ها سبب می شود که آنان احساس کنند ((نزدیک شدن و به تفاهم رسیدن با بزرگ ترها دشوار است. بزرگ ترها دنیای مخصوص به خود دارند که در آن می توانند با یکدیگر تفاهم برقرار کنند و این زمینه اصلا برای کودکان فراهم نیست که به دنیای آنان نزدیک شوند.))

نکته پایانی این که: سلام بزرگ تر به کودک، عامل احساس امنیت و اعتماد به نفس کودک است. این تواضع بزرگسال گویی به کودک تلقین می کند که وی خود را برتر از کودک نمی داند و حاضر است همه مراتب احترام را به وی تقدیم نماید .

ترک تنبیه هرگاه ((تنبیه)) به معنای آگاه ساختن، هشیار نمودن و عامل اظهار انزجار از رفتار نادرست دیگری باشد، باید آن را یکی از ابزارهای تربیت و پرورش کودکان دانست. اما اگر به معنای ((کتک زدن و مجازات کردن)) باشد، باید اعتراف کرد که چنین چیزی در رفتار حضرت محمد(ص) هرگز نسبت به کودکان مشاهده نشد .

از شگفتی های زندگی حضرت محمد(ص) یکی آن است که هرگز هیچ کودک را تنبیه بدنی ننمود. به راستی، او با کودکان چگونه رفتار می کرد و تربیت شان می نمود که هیچ گاه نیازمند تنبیه بدنی ایشان نشد؟! می نویسند: زمانی که آن حضرت پس از وفات ابوطالب(ع) و شدت گرفتن فشار قریش به سوی مردم طایف رفت تا شاید حمایت آنان را جلب کند، اهالی طایف وی را از خود راندند و با تحریک کودکان، از ایشان خواستند که پیامبر را سنگ بزنند. بچه ها به آن حضرت سنگ می زدند، اما رسول خدا(ص) (کمترین واکنشی نسبت به آنان انجام نداد و تنها علی(ع) بچه ها را از آن حضرت دور می نمود. (۴۶)

چکیده :

خداوند در حق رسول مکرّمش محمد بن عبد الله (ص) می فرماید: "انک لعلى خلق عظیم . براستی که بر خلق عظیمی هستی" (سوره قلم آیه ۴) بنده ناتوانی چه می تواند در حق پیامبری که سراپا فضیلت و رحمت و منبع خیر و نیکی و بزرگواری است بگوید؟ آنچه می گویم قطره ای است از دریا .

خوی پیامبر (ص) و رفتار آن بزرگوار و کردار آن حضرت ، سرمشق مسلمین و بلکه نمونه عالی همه انسانها است و در حقیقت تجسم اسلام . پیغمبر (ص) به همه مسلمانان با چشم برادری و با نهایت مهر و محبت رفتار می کرد. آن چنان ساده و بی پیرایه لباس می پوشید و بر روی زمین می نشست و در حلقه یاران قرار می گرفت که اگر ناشناسی وارد می شد، نمی دانست پیغمبر (ص) کدام است . در عین سادگی ، به نظافت لباس و بدن خیلی اهمیت می داد. وضوی پیامبر (ص) همیشه با مسواک کردن دندانها همراه بود. از استعمال عطر دریغ نمی فرمود. همیشه با پیر و جوان مؤدب بود. همیشه در سلام کردن پیش دستی می کرد. تبسم نمکینی همیشه بر لبانش بود، ولی از بلند خندیدن پرهیز داشت . به عیادت بیماران و تشیع جنازه مسلمانان زیاد می رفت . مهمان نواز بود . یتیمان و درماندگان را مورد لطف خاص قرار می داد .

دست مهر بر سر یتیمان می کشید. از خوابیدن روی بستر نرم پرهیز داشت و می فرمود: "من در دنیا همچون سواری هستم که ساعتی زیر سایه درختی استراحت کند و سپس کوچ کند." با همه مهر و نرمی که با زیردستان داشت در برابر دشمنان و منافقان بسیار شدت عمل نشان می داد. در جنگها هرگز هراسی به دل راه نمی داد و از همه مسلمانان در جنگ به دشمن نزدیکتر بود. از دشمنان سرسخت مانند کفار قریش در فتح مکه عفو فرمود و آنها هم مجذوب اخلاق پیامبر (ص) شدند و دسته دسته به اسلام روی آوردند .

از زر و زیور دنیا دوری می کرد. اموال عمومی را هرچه زودتر بین مردم تقسیم می کرد
و با آن که فرمانروا و پیامبر خدا بود، هرگز سهمی بیش از دیگران برای خود
برنمی داشت . براستی آن وجود مقدس مظهر و نمونه و سرمشق برای همگان بود .

پی نوشت ها :

1. ر.ك: روان شناسی رشد, دکتر حسن احدی, شكوه السادات بنی جمالی, ص ۱۱۰- ۱۶۴ .

2. این دیدگاه فروید گرایان است. ر.ك: همان, ص ۱۱۱ .

3. بحار الانوار, ج ۱۶, ص ۲۱۵ .

4. کتاب من لا یحضره الفقیه, ج ۳, ح ۴۷۰۲ .

5. بحار الانوار, ج ۲۳, ص ۱۱۴ و سائل الشیعہ, ج ۱۵, ص 126.

6. لقد كان لكم في رسول الله اسوه حسنه لمن كان يرجو الله و اليوم الاخر... (سوره احزاب, آیه

۲۱).

7. بحار الانوار, ج ۲۳, ص ۱۱۴ .

8. مستدرک الوسائل, ج ۲, ص ۶۱۹ .

9. وسائل الشیعہ, ج ۱۴, ص ۹۵ .

10. همان, ص ۹۳ .

11. همان, ج ۱۵, ص ۱۲۸ .

12. المستطرف, ابشهی, ج ۲, ص ۲۱۸; به نقل مسئولیت تربیت, محمد دشتی, ص ۴۱ .

13. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۵؛ ج ۵، ص ۹.
14. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۳۲؛ به نقل فرهنگ تربیت فرزند در اسلام، محمود ارگانی، ص ۱۶.
15. فروع کافی، ج ۵، ص ۳۳۲.
16. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷.
17. کافی، ج ۶، ص ۴۸، باب حق الاولاد؛ وسائل الشیعه (30 جلدی)، ج ۲۱، ص ۴۸۱.
18. بحار الانوار، ج ۴، ص ۸۶.
19. تحف العقول، ص ۵۱۲.
20. السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۴۸.
21. المحجّه البیضاء، ج ۳، ص ۳۳۶؛ به نقل رفتار پیامبر با کودکان و جوانان، ص ۳۱.
22. در این باره، ر.ک: روان شناسی رفتار غیر عادی، دکتر پروین بیرجندی؛ نقش نیازهای روانی در بهداشت روانی و آموزش و پرورش، علی میرزا بیگی.
23. الخصال، شیخ صدوق، ص ۶۸۶؛ نهج البلاغه، خطبه قاصعه؛ به نقل مشاهدات امیر مومنان(ع)، ص ۱۲.
24. مشاهدات امیرالمومنین(ع)، ص ۱۴-۱۶.

25. رفتار پیامبر با کودکان و جوانان، ص ۳۱؛ به نقل از شرف النبی، خرگوشی، ج ۱، ص ۱۱۵ .
26. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲ .
27. همان، ج ۶، ص ۲۴۰ .
28. همان، ج ۴۳، ص ۲۹۴-۲۹۶ .
29. همان، ج ۲۳، ص ۱۱۳ .
30. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۶ .
31. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶۱ .
- همان، ج ۸، ص ۱۴۲. باید توجه داشت که بوسیدن دختر بچه بزرگ تر از شش سال برای مردان، و بوسیدن پسر بچه ای در این سن برای زنان، کراهت دارد .
33. همان، ج ۴۳، ص ۴۲ .
34. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲ .
35. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۳ .
36. وی در کتابش (ذهن کودک) این نظریه را به اثبات رسانده است .
37. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۵ .
38. المحججه البیضاء، ج ۳، ص ۳۶۶؛ رفتار پیامبر با کودکان و جوانان، ص ۵۲ .
39. الکافی، ج ۲، ص ۹۴ .

40. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۷۸.

41. همان، ج ۴۳، ص ۲۸۵.

42. همان، ص ۳۰۶.

43. همان، ج ۴۴، ص ۲۶۰.

44. همان، ج ۱۶، ص ۲۱۵.

45. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۹.